



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در حدیث دوم: ﴿الْفُقَهَاءُ أَمْنَاءُ الرَّسْلِ﴾ از احادیث دهگانه ای بود که شیخ اعظم انصاری ذکر کردند.

امام رضوان الله علیه در کتاب البیع این خبر را ذکر کردند و فرمودند موثق است و ما نیز خبر مذکور را از کافی نقل کردیم و گفتیم که موثق می باشد، سپس ایشان می فرماید این خبر در چند جا ذکر شده من جمله در مستدرک الوسائل که در آنجا از نوادر راوندی قائلاً باسناده الصحيح عن موسى بن جعفر علیهما السلام نقل شده منتهی ما از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم نقل کردیم و همچنین خبر مذکور در دعائم الاسلام عن جعفر بن محمد علیهما السلام نیز ذکر شده، بالاخره خبر از نظر سند بحثی ندارد.

دیروز عرض کردیم که شیخ اعظم انصاری و تعداد زیادی از شراح و محشین مکاسب این خبر را ذکر کردند و فرمودند دلالتی بر ولایت فقیه ندارد بلکه اولاً مراد از "العلماء" ائمه علیهم السلام می باشد و ثانیاً حدیث می خواهد بگوید که علماء در نقل حدیث اُمناء الرسل هستند یعنی علماء امین هستند تا احادیث آنها را در کتابهایشان بنویسند و شرح و تفسیر و توضیح کنند و بعد به مردم برسانند به عبارت دیگر علماء واسطه ای بین مردم و رسل در آنچه که رسل گفته اند هستند و امین در رساندن عین فرمایشات رسل به مردم می باشند در واقع بر روی کلمه امین و امانت تکیه کرده اند.

ما عرض کردیم اولاً حمل کلمه "العلماء" بر ائمه علیهم السلام درست نیست چونکه در ذیل حدیث مطلبی ذکر شده (اتباع السلطان) که با شأن ائمه علیهم السلام سازگاری ندارد و ثانیاً علماء فقط امین در ضبط و رساندن احادیث رسل به مردم نیستند بلکه همانطور که امام رضوان الله علیه نیز فرمودند باید بینیم عمل و خط مشی رسل چطور بوده، انبیاء کارشان این نبوده که فقط احکام الهی را برای مردم بیان کنند بلکه به میدان می آمدند و حکومت تأسیس می کردند و با ظلم و فساد مبارزه و عدالت را برقرار می کردند، خلاصه انبیاء زعیم ملت بودند و می خواستند یک ملتی را در تمام ابعاد به تحرک وادار کنند بنابراین منحصر کردن کار انبیاء و رسل به بیان احادیث صحیح نیست بلکه اول باید اخلاق النبیین و دوم کار انبیاء مد نظرمان باشد، و عرض کردیم وقتی به قرآن و خصوصاً سوره انبیاء مراجعه می کنیم می بینیم که کار انبیاء فقط بیان احکام الهی نبوده بلکه کار انبیاء اجرای آنچه که خداوند فرموده و تأسیس یک حکومت و بعد اداره جامعه طبق آنچه که خداوند در ابعاد مختلف سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی بیان کرده بوده.

دلیل امام رضوان الله علیه بر مطلبی که عرض شد این است که ایشان می فرمایند وقتی به قرآن مراجعه می کنیم مثلاً در آیه ۲۵ از سوره حدید خداوند متعال کار انبیاء را خلاصه کرده فرموده: ﴿قَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾، تناسب ذکر حدید بعد از ذکر کار انبیاء این است که اگر مردم عدل را اقامه نکردند با حدید یعنی شمشیر و جهاد باید عدل برقرار

شود، البته حدید منافع دیگری هم دارد و در خیلی از موضوعات بکار برده می شود، و مراد از بأس شدید همان جهاد است یعنی باید با شمشیر و جهاد عدالت را برقرار کنند.

عدالت معنای بسیار وسیعی دارد من جمله به معنای؛ اعطاء کل ذی حق حق می باشد و کسی که زعیم جامعه است باید حقوقی که قرار داده شده را در جامعه رعایت کند، گفتیم که در آخر رساله حقوق امام سجاد علیه السلام که به ابوحمزه ثمالی فرموده ذکر شده: فهدیه خمسون حقاً، خب حالا اگر کسی این عدالت و حقوق را رعایت نکرد باید در مقابل او قیام کرد و با شمشیر و جهاد عدالت را برقرار کرد، بنابراین یکی از کارهای پیامبران قیام و اجرای قوانین الهی و برقراری عدالت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اعطاء کل ذی حق حق می باشد.

امام رضوان الله علیه در ادامه می فرمایند یکی دیگر از کارهای پیامبر مطالبه و جمع آوری زکات و خمس و رساندن آنها به مستحقین بوده نه اینکه فقط حکم زکات و خمس را ابلاغ کند، و یا اینکه حضرت لشگری فراهم می کرده و حتی خودشان کراراً در جبهه جنگ حضور داشتند، خب کار پیامبران این بوده حالا اینکه در حدیث گفته شده "أمناء الرسل" معنایش این است که وقتی پیغمبر نیست عالم بجای پیغمبر امین است و باید تمام آنچه را که پیغمبران در نظر می گرفتند و انجام می دادند و هم و هدفشان آن بود در نظر بگیرند و انجام بدهند، در ذیل حدیث ذکر شده مادامی که علماء اتباع سلطان نکرده اند، بلکه فقیهی که به فکر دنیا باشد و نسبت به دنیا و مافیها حرص داشته باشد و اتباع سلطان کند باید کنار گذاشته شود و اما فقیهی

که اینطور نباشد بقی تحت این خبر، که می شود همان فقیه عادل پس این حدیث مثل حدیث قبلی به طور کامل بر ولایت فقیه دلالت دارد.

امام رضوان الله علیه در ادامه جریان جیش اُسامه را نقل می کند و می فرماید اُسامه جوانی بود که سنش به ۲۰ سال نرسیده بود و از طرف پیغمبر خدا مأمور شد که جیشی آماده کند و برود و فلسطین را مسخر کند، خب قاعدتا مردم باید او را همراهی می کردند اما عده ای این کار را نکردند و پیغمبر فرمودند: ﴿لَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَلَّفَ عَنْ جِيشِ أُسَامَةَ﴾، بنابراین کار پیغمبر اینچنین بوده فلذا "أمناء الرسل" نیز باید همین طور باشند یعنی باید در غیاب پیغمبران خلأ وجود آنها در تمام ابعاد را پر کنند.

امام رضوان الله علیه در ادامه خیلی ابراز تأسف می کنند از اینکه در طول تاریخ به ولایت فقیه عمل نشده و به همین علت مسلمانان متفرق شده اند و مستکبرین بر مسلمانان مسلط شده اند، ایشان در کتاب ولایت فقیه چندین صفحه درد دلهای بسیاری در این رابطه دارند.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهیرین